

اجنه در آرایشگاه مرموز

برای سر در آوردن از کار مدعیان غیب‌گویی، رفتیم سراغ یکی از آن‌ها که مدعی ارتباط با اجنه است
گزارشی از حضورمان در محل کار این فرد را خواهید خواند

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه • ۲۶ تیر ۱۳۹۸
 ۱۴ ذی القعدة ۱۴۴۰ • ۱۷ جولای ۲۰۱۹
 شماره ۲۰۱۴۸

۱۳۷۱



مهرین ساعدی، الهه توانا | روزنامه نگار

پرونده

«کارش ردخور نداره. بچه‌دار نمی‌شی؟ ماشینت رو دزد بَرده؟ یا شهرت مشکل داری؟ بدخواه و حسود داری؟ یه سر برو سراغش، دست خالی بر نمی‌گردی!» هر کس در زندگی‌اش دست یک‌بار یکی از این توصیه‌ها را شنیده‌است. زمان پدرو مادرهایمان، معرفی کردن و رجوع به رمال، دعانویس و آینه‌بین عیب‌واری مخفی کردن نبود. بعدها تا دوره ما برسد، وضع روزگار عوض شد. تعداد درس خوانده‌ها زیاد، دسترس به متخصصان حوزه‌های مختلف و کمک گرفتن ازشان، راحت و اتفاقات و دلیل رخ دادن یا ندادن شان فهمیدنی‌تر شد. پس حالا طبیعتاً برای هر گره و مشکلی، باید سراغ اهلسب یعنی مثلاً پزشک، روان‌شناس و پلیس را بگیریم اما همه این کار را نمی‌کنند. گواهی بی‌شمار کانال و صفحه طالع‌بینی و دعانویسی در فضای مجازی با کلی عضو و طرفدار و فراوان طالع‌بین و دعانویس در کوچه‌پس‌کوچه‌ها و خانه‌های قدیمی و آرایشگاه‌ها با کلی مراجعه‌کننده معتقد به آن‌هاست. برای سر در آوردن از کار غیب‌گوها یاد رست‌ترش مدعیان غیب‌گویی، رفتیم پیش یکی از کارکنشته‌هایشان. خانم دعانویس میان‌سال توی سالن آرایشگاهش، نسخه مشکلاتمان را پیچید که گزارش مفصل‌اش را در ادامه می‌خوانید. همچنین با یک کارشناس دینی گفت و گو کردیم تا بفهمیم مدعیان عوالم نهانی، اعتبارشان را از کجا به دست می‌آورند و منشأ اعتقاد مردم به آن‌ها چیست؟ بدیهی است در این پرونده منظور از دعانویسی و غیب‌گویی ارتباط با اجنه... اشاره به افرادی دارد که در صدد سودجویی از مشکلات مردم هستند و بدون علم کافی در باره منابع دعاو... با استفاده از حقه‌ها و ترفندهایی قصد سرکیسه کردن مردم را دارند.

دعانویسی در آرایشگاه زنانه

به دوستان، آشنایان و همکارهایم سپرده بودم برای یک دعانویس خبر پیدا کنند. کلی اسم و نشانی به دستم می‌رسد که یکی‌شان توچهم را بیشتر از همه جلب می‌کند؛ خانمی در سالن آرایشگاهش در یکی از مناطق نسبتاً خوب شهر، برای مشتری‌های آشنا و قابل اعتماد دعا می‌نویسد. یک روز بعد از پایان کار می‌روم تا ته‌وتوی ماچرا را در بیاورم. آن‌چه می‌خوانید تجربه یک ساعت حضور من در محضر دعانویسی است که خیلی‌ها معتقدند از او جواب گرفته‌اند.

تسخیر سر نوشت باور دوفوت!

ساعت ۷ بعد از ظهر گذشته به آرایشگاه مرموز می‌رسم. از مشتری خبری نیست و خوشحالم که می‌توانم بدون مزاحم کارم را انجام بدهم. با احتیاط به خانم میان‌ساله که پشت میز نشسته است، می‌گویم «من مشکلی دارم که گفتن شما می‌تونین حلش کنین»، جواب می‌دهد: «فال قهوه؟» نامطمئن می‌گویم؛ بدجوری به مشکل خورده‌ام و دوستم او را به من معرفی کرده و گفته دعاهایش خیلی عالی است. اصرارم را که می‌بیند با چند سوال مطمئن می‌شود از اتحادیه آرایشگری نیامده‌ام و بالاخره قبول می‌کند. می‌گوید: «خب! خودت میگی مشکلک چیه یا من بگم؟». هیجان زده می‌گویم: «شما بگین»، انگار توقع چنین چیزی را نداشته است، جواب می‌دهد: «نه، خیلی بهم فشار میاد»، اصرارم بی‌فایده است. شروع می‌کنم به تعریف یک قصه غیر واقعی سوزناک. بعد از چند دقیقه باور می‌کند، دختر بیچاره‌ای هستم که همیشه کارهایش گره می‌خورد، در مصاحبه حضوری یک شغل خوب رده‌شده و حالا باز روزی باز گشت معشوق خیالی‌اش به او امید بسته است. دلش برایم می‌سوزد، تأکید می‌کند: «تو آرایشگاه از این کارا نمی‌کنم. می‌دونی اگه اتحادیه بفهمه، چی می‌شی؟ ولی چون دختر صاف و ساده‌ای هستی بشین و روتو بر گردون!».

آهسته حرف زدن با موجودی که نیست!

صندلی‌ام را بر می‌گردانم و از گوشه آینه روی دیوار چهره‌اش را می‌بینم. یک سرسید و دفترچه روی میز است، چیزهایی توی دفترچه می‌نویسد. بعد به یک نقطه خیره می‌شود و می‌پرسد: «کجامی خواستی کار کنی؟»، «اونی که دوستش داری رو کیا می‌شناسن؟» «چند وقته با همین؟» و کلی سوال دیگر. جواب‌های پرتی می‌دهم ولی حواسم را جمع می‌کنم که حرف‌هایم یادم نرود چون بعضی از سوال‌هایش را در فواصل مختلف چندبار تکرار می‌کند تا مطمئن شود دروغ نمی‌بافم. بعد شروع می‌کند به زم‌زمه کردن و آهسته حرف زدن با موجودی که

من نمی‌بینم، بهش می‌گویند: «خیلی خب، باشه بهش می‌گم!» بعد از چند دقیقه گپ و مشورت با کسی که وجود ندارد، می‌خواهد رویم را برگرداند. در همین لحظه پرده جلوی در ورودی، کنار می‌رود و خانم جوانی با ظاهری مرتب و مستاصل وارد می‌شود. می‌گوید: «کارم خیلی گیره، فال قهوه فوری می‌خوام». خانم آرایشگر که نگران است من سوتی بدهم و لو بروم، مشتری را فوری دست به سر می‌کند: «فالگیر مون الان نیست، شماره شو یا داشت کن و از خودش وقت بگیر». بعد از رفتن او و رفع شدن خطر، با منت بهم یادآوری می‌کند: «خیلی شانس آوردی امروز سرم خلوتنه. من برای هر کسی این کارو نمی‌کنم، تو جای دختری و می‌خوام مشکلک حل بشه». دوباره در قالبش فرو

می‌رود و بعد از کمی تمرکز می‌گوید: «اینا دارن می‌گن مادر پسره زیرپاش نشسته که نیاد تورو بگیره!» می‌گن فکرش روزا سرت بیرون کن چون رفته سراغ یکی دیگه». خنده و تعجبم را کنترل می‌کنم. کمی هم عصبی‌ام که چرا دارم این همه مهمل را درباره ماچرایبی الکی و عاشق‌بی‌وفایی که اصلاً وجود ندارد، تحمل می‌کنم. با لحنی دلسوزانه ادامه می‌دهد: «تعجب نکن، مردها همین‌اند. امروز عاشق و فردافارغ» به او می‌گویم: «ما خیلی تو چشم بودیم. نمی‌شه فهمید طلسمی، دعایی چیزی برامون گرفتن یا نه؟» می‌گوید: «نه دختر جان. حتی اگه جادوتون هم کرده باشن کل‌اش ۴۰ روز دوام داره. اول و آخرش مادرشه که دشمن‌تونه و نمی‌ذاره به هم برسین. قیدشوبزن یکی بهتر میاد سراغت». به آن‌هایی فکر می‌کنم که برای گره‌های مهم زندگی‌شان به کسی اعتماد می‌کنند که به‌راحتی با خالی‌بندی گول می‌خورند. بانا راحتی می‌پرسم: «یعنی راهی نیست؟ می‌گن قبلاً کار خیلی‌ها رو راه انداختین». خوشحالم می‌شود و یکی از تجربه‌های موفقیت‌آمیزش را برایم تعریف می‌کند: «یه خانومی بود که حامله نمی‌شد. دعا پیش دادم، اومد بهم گفت بعد ۱۳ سال باردار شده. الان که دارم می‌گم موهای تنم سیخ شده». هاج‌و‌اج نگاهش می‌کنم. فکر می‌کند مسحور توانایی‌اش شده‌ام ولی در واقع ما ت این همه دروغ و توهم‌ام.

رفع طلسم با ۵ تا تخم مرغ!

دوباره شروع می‌کند به حرف زدن با موجودی که وجود ندارد و بهش جواب می‌دهد: «خیلی خب! بهش می‌گم». وارد فاز روان‌کاوانه می‌شود:

– «بین»، تو یه ترس تو وجودته که باعث می‌شه همیشه به صف باشی و هیچی نشی؛ ترس از این که با طرقت از دواج نکنی، ترس از این که استخدا مت نکنن. همین ترس هاست که نمی‌ذاره موفق بشی. حالا که این پسر رفته پی یه دختر دیگه تو هم مهرشواز دلت بکن اما اگه اصرار داری برگرده پی دعای محبت شدید برات می‌نویسم. تا یه هفته بخونش. هر روز برای خودت اسپند با نمک و فلفل دود کن. این وردی هم که نوشتم به تعداد کلمات ابجد اسمت بخون و رو به طرف فوت کن! البته صبر کن، اینا دارن می‌گن هنوز با کسی وار در رابطه عمیق نشده و کار کار مادره است!» می‌خواهم بدانم دیگر چه ترفندی بلد است که رو نکرده، بهش اصرار می‌کنم هر کار دیگری از دستش برمی‌آید انجام بدهد.

– «برو پنج تا تخم مرغ بخور. زود برگرد تا برات رفع طلسم و جادو کنم. ولی دخترم تو این دوره زخمونه که دخترا صد مدل آرایش می‌کنن و به خودشون می‌رسن تو زیادی ساده‌ای. بیا پیش خودم پوست‌رو پاک‌سازی کنم». از پیشنهاد صمیمانه و در واقع بازارا گرمی‌اش تشکر می‌کنم. می‌روم و با کیسه تخم‌مرغ برمی‌گردم. یکی‌یکی تخم‌مرغ‌ها را بر می‌دارم و به پیشانی، کف دست‌ها و پاهایم می‌کشد. از م می‌خواهد اسم دوست‌ها و فامیل‌هایم را بگویم. با هر اسم، خطی‌روی تخم‌مرغ می‌کشد. بعد سکه‌ای روی رأس تخم‌مرغ می‌گذارد، بهم می‌گوید اسم‌هایی را که یک‌بار گفته‌ام تکرار کنم. روی یکی از اسم‌هایی که در دنیا و واقعی وجود ندارد، تخم‌مرغ می‌شکند. هر بار این اتفاق تکرار می‌شود. فکر کنم حیرتم‌را از توی چشم‌هایم می‌خواند که می‌گوید: «الکی که نیست. اگه تونستی تخم‌مرغ رو این‌طوری بشکنی جایزه داری». بدلیل اسراف تخم‌مرغ‌ها حرص می‌خورم و با سر حرفش را تأیید می‌کنم. حوصله‌ام سر رفته است و دیگر اسمی به ذهنم نمی‌رسد. شروع می‌کند به پیچ‌پیچ کردن. با شکستن دو تخم‌مرغ باقی‌مانده، همسایه سمت چپی و کسی که چهارشنبه من را دیده است به چشم زدن و نظر بد داشتن، متهم می‌کند و سه‌روته قضیه را هم می‌آورد. مبلغ حق‌دعا را می‌گیرد، به‌طور تهدیدآمیزی می‌گوید «شماره مو داری ولی اگه جواب نگرفتی، هی زنگ‌نزی بگی چرا چی شد. من دیگه کارمو کردم».

🔴 **ریشه اعتقاد به دعانویسی را کجا باید جست‌وجو کرد؟**

اگر بخواهیم به این موضوع از زاویه علمی نگاه کنیم، باید به نظریات مرتبط با منشأ دین و جادو رجوع کنیم؛ از جمله می‌توان به نظریه‌های «جیمز فریزر» و «مالینوفسکی» درباره ادیان و مردمان ابتدایی اشاره کرد که به‌طور کلی چنین می‌اندیشند که انسان برای مسلط شدن بر طبیعت، غلبه بر ترس‌ها و رسیدن به آرزوهایش به جادو متوسل می‌شده است. این اقدامات با هدف تصرف در واقعیت و تحقق خواسته‌های بشر انجام می‌شده و از روش‌های ساده‌ای بهره می‌برده‌است. مثلاً یادار نظر گرفتن عنصر «شبهات» شخصی را مجبور به گریه می‌کردند تا اشک او باعث شود آسمان نیز شروع به باریدن کند. در زمان ما هم این تلاش وجود دارد که برخی وقتی نمی‌توانند زندگی را با اسباب‌عادی پیش ببرند به جادو، طلسم، دعانویسی و چیزهایی از این قبیل متوسل می‌شوند. البته خود دعا، امر مطلوبی است و در نگاه درون‌دینی بسیار به آن تأکید شده است. صحبت ما الان درباره توسل به دعانویسی برای تحقق خواسته‌هاست و نه اهمیت و کارکرد خود دعا نسبت به انسان که امر پسندیده‌ای است.

🔴 **حالا البته وضع نسبت به گذشته فرق کرده؛ علم و دانش در دسترس تر و فهمیدن علل امور ساده‌تر شده‌است.**

اگرچه دانش ما به معنی science و حکمت یا مطلق آگاهی‌زیاد شده، به همان نسبت مجهولات بیشتری هم پیش روی‌مان قرار گرفته است. علم، هم‌زمان با ایجاد امکان‌های شناختی، پرسش‌ها و نادانی‌های جدیدی هم پیش می‌کشد. نکته دیگر این که مسئله تنها جنبه علمی ندارد و بحثی روان‌شناختی هم در این میان وجود دارد. وقتی فرد احساس استیصال می‌کند و برای حل مسئله‌اش راه‌های منطقی را در دسترس یا کارگشامی‌بیند، کافی نیست که به او بگوئیم علم برایش راه‌حل دارد یا خواسته‌اش غیرمنطقی و اخلاقی است. وقتی تصور غلطی در ذهن فرد شکل می‌گیرد امکان این که او از روش‌های غیر معقول برای حل مسائل خود کمک بگیرد بیشتر می‌شود؛ بنابراین افزون بر عنصر معرفت‌شناختی، وضعیت روانی افراد هم در استقبال از دعانویسی و این قبیل موارد اهمیت دارد.

🔴 **معتقدان به دعانویسی، عموماً خودشان را مذهب باور می‌دانند. این نوع استفاده از دعا یعنی نوشتن یا مکرر گفتن در اسلام چه جایگاهی دارد؟**

اگر دنبال نظر فقهی هستیم، باید از مراجع تقلید استفتا کنید اما اگر می‌خواهید به لحاظ کلامی این بحث را بررسی کنید باید گفت دعا اهمیت زیادی دارد اما دعانویسی و روش‌های مشابه مثل استفاده از اعداد، حروف و اشیا اگرچه در میان برخی مسلمان‌ها وجود دارد، ولی به این معنا که منشأ اثر باشند، جایی ندارد و در فرهنگ دینی ما هم به عنوان آسیب شناخته می‌شود؛ این که فرد به جای پرورش نفس و توجه به احساس نیازی که پدیدآورنده تحولات روحی و تربیتی در او خواهد بود، سراغ راه‌هایی مثل طلسم، دعانویسی یا همراه داشتن متنی خاص برود.

🔴 **خب این کار با اعتقاد به مذهب متناقض است.**

باور به دعانویسی می‌تواند نافی اعتقاد به حضور، اراده و دخالت خداوند و چیزی شبیه به شرک باشد. قرآن درباره مشرکان می‌گوید بهرغم این که به خداوند به عنوان خالق و فروفرستنده باران اعتقاد

گفت و گوبا «یاسر آئین»، پژوهشگر الهیات و دین‌پژوهی، درباره باور به دعانویسی

دعانویسی باروش‌های غیر معقول منشأ اثر نیست

یاسر آئین، دانش‌آموخته سطح عالی حوزه علمیه و دانشجوی دکترای ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد است. افزون‌بر تاریخ، الهیات و هنر ادیان ابراهیمی، باورهای آرمان‌شهر گرایانه و مطالعات آینده‌پژوهانه از موضوعات پژوهشی مورد علاقه او به‌شمار می‌رود.

دارند، بت‌ها را واسطه جلب منافع و دفع مضرات می‌دانند. این نقد به انسان مذهبی امروز که به‌جای باور به حضور و مداخله کامل خداوند، اسباب و علل ناشناخته را موثر می‌داند، وارد است. از نظر یک خدا باور، خداوند و نیز اعمال و کردار خود او، باید منشأ نفع و ضرر باشد.

🔴 **در برابر ادعای کسانی که باور دارند از دعانویسی جواب گرفته‌اند، چه توضیحی دارید؟**

از لحاظ علمی این مسئله توضیح داده شده‌است؛ اتفاقی که نتیجه دعانویسی تلقی می‌شود، مبتنی بر علیت توضیح داده نمی‌شود و دعانویس و فرد مراجع او اغلب تمایل دارند نشان دهند اقدام آن‌ها علت رخ دادن یا ندادن فلان اتفاق (معول) بوده‌است در حالی که در بهترین حالت فقط می‌توانند به هم‌زمانی‌ها و تقرارن‌ها تکیه کنند. مثلاً شما اگر کمر درد داشته باشید و دکتر نرید، بالاخره به سبب همان استراحت اجباری کمی بهبود می‌یابید اما نمی‌توانید مدعی شوید نیازی به مراجعه به دکتر نبوده‌است. کسی که مدعی تأثیر دعانویسی است، باید چنین توضیحی ارائه دهد اما چنان که گفتم این مسئله اغلب جنبه روانی دارد.

🔴 **بعضی از دعانویس‌ها می‌گویند با اجنه در ارتباط هستند و خیلی‌ها این حرف را می‌پذیرند چون در قرآن از جنیان حرف زده شده‌است.**

کسانی که به طرق غیر عادی تمسک می‌کنند برای اثبات ایده خود ادبیات متفاوتی به کار می‌گیرند؛ اجنه، شیاطین، ارواح، علم ریاضی و اعداد. این ادعاها همگی در ذیل همان ساختاری قرار می‌گیرند که توضیح دادم اما چیزی که درباره قرآن گفتید، مسئله‌ای تخصصی است که در تفسیر قابل بحث است. قرآن برای اشاره به موجودات روحانی و توجه دادن به این نکته که عالم محدود به جنبه‌های مشهود بشر نیست از ادبیاتی استفاده می‌کند که قبل از آن بین مردم عرب شناخته شده بوده‌است. باور به «جن» یا جان‌باوری نیز در نظریات علمی مربوط به ادیان ابتدایی، به آن توجه شده است. تا آن‌جا که من می‌دانم در قرآن هیچ اشاره‌ای به این که جنیان به‌طور مستقل و فارغ از اراده خداوند منشأ اثراتی در عالم و زندگی بشر باشند، نشده‌است. صرف اشاره به جن در قرآن، حتی اگر به‌واقعیستی هستی‌شناختی اشاره داشته باشد، نمی‌تواند توجیهی برای دعانویسی و توسل به جن و موجودات ناشناخته برای تحقق خواسته‌ها و آرزوها باشد.

🔴 **مراجعه به دعانویس‌ها چه تبعاتی دارد؟**

وقتی این باورها به مرحله زبان می‌رسد که در مسائل جدی و پایدار، راه‌حل‌های واقعی نادیده گرفته‌و روش‌های نامعقول جایگزین شوند؛ در این‌جا به‌نظر می‌آید احتمال اختلالات روانی در افراد بررسی شود.

